

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده مقالات همایش ملی
تبارشناسی و سیر تحول نقد هنر در ایران



۱۴۰۰



پژوهشکده هنر

پژوهشکده هنر وابسته به فرهنگستان هنر

همایش ملی «تبارشناسی و سیر تحول نقد هنر در ایران»

دبیر علمی: حسن بلخاری

دبیر اجرایی: شهاب پازوکی

شورای علمی: بهمن نامور مطلق، حسن بلخاری، عبدالحسین لاله،

مصطفی گودرزی، حمیدرضا شعیری، قاسم کاکایی، مهدی محمدزاده، جواد صافیان،

محمدتقی پیربایابی، علیرضا طاهری، محمد شهبان، نصرالله جهانگرد،

سعید شریفیان، ناهید عبدی، نیر طهوری

مستول دبیرخانه همایش: فاطمه شاملو

صفحه آرا: میثم رادمهر

این همایش در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام با کد اختصاصی ۴۴۳۱۸-۰۰۲۰۰ ثبت شده است.

آدرس دبیرخانه همایش: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتراز تقاطع امام خمینی (ره)،

نیش کوچه شهید حسن سخنور، شماره ۲۹، پژوهشکده هنر

شماره تماس: ۰۲-۶۶۹۵۶۱۹۰

آدرس وبگاه همایش: genealogy.honar.ac.ir

وبگاه پژوهشکده هنر: aria.honar.ac.ir

فهرست مطالب

- ۷ ضرورت نقد در حوزه هنر و ادب (گشودگی اثر و حفاظت از ذات هنر) / حسن بلخاری
- نقد اخلاقی در سرآغاز هنر تئاتر در دوره قاجار و مبانی فکری و فلسفی آن؛ تحلیلی تبارشناختی /
۹ شهاب پازوکی
- ۱۱ نقد تک زبانی حاکم بر نقد هنری / مجید پروانه پور
- فرا تحلیل جایگاه نقد هنر در مقالات فصل نامه‌ها؛ مطالعه موردی؛ مقایسه مقالات دهه ۱۳۹۰
فصل نامه‌های علمی - پژوهشی با فصل نامه‌های علمی - ترویجی در رشته هنر / مریم
۱۳ پیکری علمداری
- نقد دیگر بودگی، هویت مسئله‌گی و گفتمان «بازگشت به خویش» در احیاء اصالت‌های موسیقایی
(مورد کاوی احیاء آثار نظری و عملی موسیقایی گذشتگان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی) / کاوه
۱۵ خورابه
- از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا تا نشانه‌معناشناسی گفتمانی: به سوی نقد هنری چندساحتی /
۱۷ حمیدرضا شعیری
- ۱۹ پرسش از چیستی معماری معاصر ایران با رویکرد نقد پدیدارشناختی / نیر طه‌پوری
- تأثیر نقد فلسفه دکارت در شکل‌گیری نظریه‌های نوین پدیدارشناسی: رویکردی به ادراک چند
حسی معماری معاصر ایران / نیر طه‌پوری، محمدامین شریفیان ۲۳
- ۲۵ ساختاردهی نقد هنری بر پایه رویکردهای اخلاقی / پرناز گودرزپوری
- ۲۷ گفتمان مسلط بر نقد سینمایی در ایران / عبدالحسین لاله
- ۲۹ نقد کاربرد مفهوم «سنت» برای تفسیر هنر ایران در دوران اسلامی / امیر مازیار
- نگاهی به روند تحول زمینه‌ها و رویکردهای نظری و فلسفی نقد هنر و ادبیات / حسین‌علی نودری ۳۱
- ۳۵ برنامه‌همایش

ضرورت نقد در حوزه هنر و ادب (گشودگی اثر و حفاظت از ذات هنر)

حسن بلخاری^۱

اگر اصطلاح نقد در حوزه هنر و ادب ایران را ترجمه critic انگلیسی بدانیم، از منظر اتیمولوژی یا تبارشناسی واژه‌ها، این واژه به معنای تمیز درست از نادرست یا تمایز اثر هنری و ادبی خوب از اثر هنری و ادبی بد است. در مقاله خود، تبارشناسی واژه نقد را ارائه خواهیم کرد و از canon در هنر و ادب یونانی به عنوان معیار بازشناسی در آثار ادبی و هنری سخن خواهیم گفت. اما تاریخ سراسر جویایی و پویایی هنر و ادب، معانی گسترده‌تر و فضایی وسیع‌تر در حوزه فرهنگ و هنر و در توسیع مفهوم نقد آفرید. در این گستردگی میدان، معانی دیگری نیز به نام نقد پدید آمد، من جمله تلاش در جهت ایضاح و گشودگی متن و اثر.

این گستردگی چنان است که متفکران حوزه نقد، مفاهیمی چون ارزیابی، توصیف، قضاوت، لذت و برداشت شخصی، تجربه زیباشناسی، کشف، تبیین و تأویل را معانی ضروری حوزه پهناور نقد شمرده و از انواع نقد سخن به میان آوردند. بگذریم که سنت‌گرایی چون کوماراسوامی نیز واژه نقد را نوعی بازآفرینی مجدد سیر و سلوک هنرمند سنتی در آفرینش اثر هنری، توسط ناظر اثر معنا نمودند.

۱. استاد دانشگاه تهران

این گستردگی در مفهوم، با در نظر گرفتن مصادیق و شقوق مختلف هنری، گسترده‌ترین گشت، زیرا تردیدی نیست هنرها در نوع ظهورات متفاوت خود الزاماتی در نقد خویش می‌آفرینند که جزء اصول موضوعه تبیین و ارزیابی چنین آثاری محسوب می‌شود.

حال اگر کلی‌ترین مفهوم جوهر نقد، از یک سو ایضاح و گشودن متن و از دیگر سوی ارزیابی آن بر مبنای معیارها باشد، پس نقد یکی از ضروری‌ترین عناصر حوزه هنر و ادب، در درک و تمایز آثار است. به واسطه نقد است که متون گشوده می‌شوند و به واسطه آن است که آثار نگاهبانی می‌شوند. به عبارتی درکِ بطنِ متن از یک سو و حفاظت و پاسبانی از حوزه هنر و ادب از دیگر سو، تا بی‌هنران جای هنرنگاران را نگیرند و ناهنر به نام هنر میدان‌دار نگردد.

کلیدواژگان: ضرورت نقد، هنر، ادب، تبارشناسی

نقد اخلاقی در سرآغاز هنر تئاتر در دوره قاجار و مبانی فکری و فلسفی آن؛ تحلیلی تبارشناختی

شهاب پازوکی^۱

مقاله حاضر کوششی است تا به تحلیلی تبارشناختی از شکل‌گیری نخستین نقدهای تئاتر در ایران و شناسایی خاستگاه‌های فکری و فلسفی آن‌ها دست یابد. اغلب این نقدها - اگر بتوان عنوان «نقد» را برای این متون مناسب دانست - در مطبوعات دوره مشروطه نمود و ظهور یافتند و به تبعیت از نگرش عمومی حاکم نسبت به هنر تئاتر به‌عنوان وسیله‌ای برای تهذیب اخلاق و آموزش ارزش‌های اجتماعی، با رویکردی اخلاق‌گرایانه به تحلیل و ارزیابی تئاترهای این دوره پرداخته‌اند. گفتمان مسلط در این متون انتقادی به کارکردهای اجتماعی - اخلاقی اثر معطوف شده است؛ اصلی اساسی که آخوندزاده در مکاتبه خود با میرزا آقا تبریزی - به‌عنوان نخستین نقد تئاتر در ایران - بر آن تأکید کرده است. آخوندزاده به‌عنوان نخستین نمایش‌نامه‌نویس ایرانی و بانی آشنایی ایرانیان با «فن دراما»، خط‌مشی‌های کلانی را برای نقد و داوری این هنر ترسیم کرده است. در ردیابی و شناسایی چرایی و چگونگی تسلط گفتمان اخلاقی - اجتماعی در حوزه نقد تئاتر ایران، پیوند و پیوستگی عمیق آخوندزاده با جریان واقع‌گرایی انتقادی روسیه و تأثیرات او از آراء زیبایی‌شناختی و بیساریون بلینسکی - نخستین و سرشناس‌ترین منتقد تاریخ

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده هنر فرهنگستان هنر

ادبیات روسیه در سده نوزدهم - را نباید از نظر دور داشت. مأموریت آخوندزاده در این زمینه ارائه نسخه‌ای از زیبایی‌شناسی بلینسکی به حوزه نوپای نقد تئاتر ایران بوده است؛ نسخه‌ای ثانویه که بیشتر از آنکه ناظر به مسئولیت‌های تئاتر در به چالش کشیدن بی‌پروای مسائل و موضوعات اجتماعی باشد، با چهره محافظه‌کارتری نسبت به نسخه اصلی، وجهی اخلاق‌گرایانه یافته است. در این مقاله به روشی توصیفی - تحلیلی شکل‌گیری، تحول و تطوّر نقد تئاتر در ایران در چارچوب مفهوم نقد اخلاقی مطالعه شده است و در فرایندی تطبیقی پیوندهای نقد اخلاقی تئاتر در ایران عصر مشروطه با نگره‌های آخوندزاده و در ادامه تأثیرات از زیبایی‌شناسی بلینسکی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژگان: میرزافتحعلی آخوندزاده، نقد اخلاقی، نقد تئاتر، واقع‌گرایی انتقادی، ویساریون بلینسکی

نقد تک‌زبانی حاکم بر نقد هنری

مجید پروانه پور^۱

در این مقاله قصد دارم ضمن خوانش نگرش کلی حاکم بر مقالات کتاب نقدنگاشت ۶، چاپ پژوهشکده هنر فرهنگستان هنر، ضمن تحلیل رویکرد ترجمانی حاکم بر مقالات آن مجموعه به نقد مفاهیم «نقد بومی» یا «نقد ایرانی» بپردازم و نشان دهم که بی‌توجهی به مسائلی که تأمل در باب چیستی و کیفیت رابطه ما با زبان و سنت فکری غربی و شرقی برمی‌انگیزد، موجب طرح چندین و چندباره مفاهیمی چون «نقد بومی» و «نقد ایرانی» و برگزاری همایش و نشست برای تولید محتویاتی با این قبیل صفات می‌شود بی‌آنکه عملاً به تحولی محسوس در حوزه اندیشه و نقد هنری منجر گردد. در این مسیر و ضمن استفاده از روش توصیف/تحلیل و به کمک نگاه دریدا در کتاب تک‌زبانی دیگری، تفکر برآمده و متکی بر ترجمه را محصول غفلت از ضرورت گوش سپردن به سنت‌های خودی و غیرخودی خواهم دانست تا از این رهگذر اهمیت بازخوانی و بازآوری هر دو سنت شرقی و غربی را در امتداد این نگرش قرار دهم که سنت اسلامی و سنت غربی دو سنت معارض نیستند بلکه در قیاس با تعارض‌های احتمالی، مشابهت‌ها و خویشی‌های فراوانی دارند. همین نگرش نیز هست که مرا به این نتیجه می‌رساند که دستاوردهای غربی و دستاوردهای سنت ایرانی / اسلامی هر دو، پس از آنکه از مناسبت‌های موضوعی و موضعی خود به نحو مقتضی

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده هنر فرهنگستان هنر

پیراسته شوند در نهایت دستاوردهایی برای جهان فکراسان محسوب می‌شوند که در عین معطوف بودن به بسترهای ویژه خویش قابلیت آن را دارند که بی‌آنکه مُهر غربی یا شرقی بخورند به ضرورت تفکر نقادانه پیوند زده شوند و ما را از نگاه یک سویه به مفاهیمی چون «نقد بومی» یا «نقد ایرانی» در امان بدارند.

کلیدواژگان: دریدا، نقد ایرانی، نقد بومی، تفکر ترجمانی، فرهنگستان هنر

فرا تحلیل جایگاه نقد هنر در مقالات فصل نامه‌ها

مطالعه موردی؛ مقایسه مقالات دهه ۱۳۹۰ فصل نامه‌های علمی -

پژوهشی با فصل نامه‌های علمی - ترویجی در رشته هنر

مریم پیکری علمداری^۱

با نگرش بر نشریات تخصصی یک رشته آکادمیک می‌توان وجهی مهم از وجوه آن رشته را ارزیابی نمود. غالب دانشکده‌های هنر دارای فصل نامه‌های علمی - پژوهشی و همچنین علمی - ترویجی می‌باشد. با بررسی فهرست مقالات فصل نامه‌های رشته هنر در سامانه ارزیابی وزارت علوم، می‌توان در دو سطح چهارچوب نظری و رهیافت‌های مطالعاتی، نقد هنر را در مقالات فصل نامه‌های علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی مورد مطالعه مقایسه‌ای قرار داد و الگوی رفتاری این دو سطح از فصل نامه‌ها را ترسیم نمود. مفروض اصلی این پژوهش بیان می‌دارد که بررسی وضعیت کمی این فصل نامه‌ها می‌تواند گرایش‌های کیفی فصل نامه‌ها را نمایان سازد. هدف این فراتحلیل شناسایی گرایش انتقادی فصل نامه‌ها و همچنین شناسایی وجه انتقادی رشته هنر را نشان می‌دهد. این پژوهش براساس روش اسنادی تلاش دارد تا از منظر تحلیلی - توصیفی به جمع‌آوری اطلاعات لازم از مجموع ۱۴ فصل نامه ثبت شده در سامانه ارزیابی وزارت علوم بپردازد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌دارد که نقد هنر در مقالات علمی - ترویجی بیشتر در سطح چارچوب نظری بوده و به نگارش مقالات نقد هنر پرداخته‌اند و در مقابل مقالات علمی

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته هنر، دانشگاه الزهرا

- پژوهشی بیشتر رویکردها و رهیافت‌های انتقادی را در مقالات خود مورد استفاده قرار داده‌اند.

کلیدواژگان: هنر، فصل‌نامه‌های علمی - پژوهشی، نقد هنر، فصل‌نامه‌های علمی - ترویجی، فراتحلیل

**نقدِ دیگربودگی، هویت‌مسئگی و گفتمانِ «بازگشت به خویش» در
احیاء اصالت‌های موسیقایی
(موردکاوی احیاء آثار نظری و عملی موسیقایی گذشتگان
در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی)**

کاوه خورابه^۱

گرچه پرسمانِ مدرنیته و فرآیند مدرنیزاسیون را در پرتو حضور پُررنگ دول غربی می‌توان تا پیش از سلسله قاجار پی گرفت، اما بی‌تردید شتاب فزاینده این روند همزمان با به سلطنت ناصرالدین شاه قاجار عینیت می‌پذیرد. زمانه و زمینه‌ای که همراه با ورود ادوات و تجهیزات نظامی و صنعتی، در عرصه فرهنگ نیز شاهد حضور پُررنگ دستاوردهای فرهنگی و هنری می‌شویم به‌ویژه در سپهر هنر موسیقی تحولات چشمگیر و فزاینده‌ای همچون حضور دستگاه‌های ثبت و ضبط صدا که اتفاقاً با محوریت نگاهداشت قطعات موسیقایی شکل می‌گیرد، دعوت از مستشاران و مدرسان موسیقی غربی همچون مسیوژان باتیست لومرو به تبع آن تلسیس، و گسترش مدارس موزیک با رویکرد آموزش غربی و حضور سازهای اروپایی و... رخ می‌نماید.

در بعدی فراگیر بالاخص در فضای سیاسی، ایدئولوژی پرشتاب نوسازی علاوه بر حوزه قدرت سیاسی، خود را وارد دیگر فضاهای اندیشه‌ای از جمله هنر موسیقی نموده و روزبه‌روز امکان بقا و توسعه خود را در حذف کفه دیگر مواجهه یعنی گروندگان، نوازندگان و کنش‌گران موسیقی اصیل ایرانی

۱. دانش‌آموخته موسیقی و فلسفه، معاون علمی و پژوهشی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

می‌دانست که در نهایت سبب‌ساز فضایی دو قطبی و گاه خصمانه در میدان موسیقایی کشور شده بود. نظر به حضور اندیشمندان و متفکران جدی در جبهه نوگرایی، عقب‌نشینی و خلوت‌نشینی موزیسین‌های اصالت‌مند ایرانی را به همراه داشت. تأسیس رادیو و حضور پررنگ و امکان فعالیت در حوزه عمومی بر بحران این دوگانه‌سازی و زمینه‌های حضور و بروز گونه‌های میان‌مایه و عوام‌گرایانه موسیقی می‌افزود.

هم‌زمان با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و براندازی دولت ملی دکتر مصدق به دست عوامل خارجی و بازیگران استبدادپسند داخلی، زمینه‌های بازخوانی دگر بار درباره مسئله «دیگری»، «خودبودگی»، «نه دیگربودگی» و بازگشت به خویش را بیش از پیش فراهم ساخت. ورزش چنین نسیمی در حوزه اندیشه اجتماعی - سیاسی راه خود را به حوزه‌های هنر به‌ویژه موسیقی باز کرد. شکل‌گیری نهادهای موسیقی با رهیافتی اصالت‌مند، توجه بیش از پیش به آثار در محاق قرار گرفته پیشینیان اعم از رپرتوار موسیقی کلاسیک ایرانی یعنی موسیقی ردیف دستگاهی و آثار مکتوب گذشتگان، شکل‌گیری مرکز حفظ و اشاعه و گروه موسیقی دانشگاه تهران و ... از جمله دستاوردهای گفتمان بازگشت بودند. در این مقاله کوشیده‌ام تا بازگشت دوباره به اصالت‌های موسیقایی را در فرایند گفتمان بازگشت به خویش و مسئله هویت‌مسئله‌گی، خودبودگی و مواجهه با دیگری را مورد بررسی قرار دهم.

کلیدواژگان: موسیقی اصیل ایرانی، دیگربودگی، هویت‌مسئله‌گی، گفتمان بازگشت به خویش

از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا تا نشانه‌معناشناسی گفتمانی: به سوی نقد هنری چندساحتی

حمیدرضا شعیری^۱

نشانه‌شناسی ساخت‌گرا که اندیشه‌ اصلی آن را فردینان دو سوسور بنیان‌گذاری نمود براساس رابطه‌ بین دال و مدلول شکل‌گرفت که بنا بر ضرورت زبانی به امری بنیادمحور تبدیل شدند تا مفاهیم ثابت و ساختارهای واحد زبانی را هدایت و کنترل کنند. به همین دلیل هیچ‌ مرز معنایی بین دال و مدلول سوسوری شکل‌نگرفت تا به مثابه‌ یک حضور جسمانه‌ای این رابطه را به رابطه‌ای پویا و زنده تبدیل کند. به همین دلیل معنا نمی‌توانست چندساحتی، سیال و یا در حال شدن باشد. اما عبور از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا به نشانه‌معناشناسی گفتمانی براساس دیدگاه یلمزلف که پلان‌های زبانی را جایگزین نظام نشانه‌ای می‌کند، به گشایشی منجر می‌شود که دلالت‌های ثابت را به معناهایی در حال جابجایی تغییر می‌دهد. در واقع، نشانه‌معناشناسی گفتمانی اعتقاد به دیالوگ بین دو پلان صورت و محتوا دارد. این دیالوگ وابسته به حضور کنش‌گر تن‌مداری است که بین این دو پلان قرار گرفته و پیوسته مرزهای معنایی را با توجه به ساحت گفتمانی و تعاملات بیناگفتمانی جابجا می‌کند. به همین دلیل، معنا دیگر نمی‌تواند امری ثابت، منجمد، پایدار و مبتنی بر ضرورت‌های جهان‌شمول باشد. اندیشه‌ ناپایداری معنا و جابجایی مرزهای معنایی، آنچه را که نشانه‌شناسی ساخت‌گرا به شناسایی رمزگان زبانی، نقش‌های کنشی،

ارزش‌های تک‌ساحتی، ساختارهای تقابلی و برنامه‌روایی منطق‌محور محدود می‌نمود، نفی می‌کند تا به این ترتیب الگوی مطالعه چندساحتی گفتمان‌های هنری فراهم گردد. چنین الگویی بر این باور استوار است که گفتمان هنری ممکن‌های بی‌شماری تولید می‌کند که اعتبار جهان معنا را وابسته به ساحت حضور پدیداری سوژه، تعامل او با جهان پیرامون، شیوه بودن و رخ نمودن او، همه مقاومت‌ها و وادادن‌های او می‌داند. بر این اساس، لنگرگاه معنایی در دیدگاه نشانه‌معناشناسی گفتمانی پایگاه ساختاری خود را از دست می‌دهد و مبتنی بر نظام‌هایی چندساحتی ترسیم حرکت معنا به فرآیندی در انتظار، تردیدپذیر و یا ترمیم‌پذیر تبدیل می‌گردد. گفتمان‌های هنری چندساحتی مبنای خلق گفتمانی خود را بر اشاره یا پیشنهاد و یا تلنگری بنا می‌نهند که ناباروری روایی را ترویج می‌دهند. چگونه این ناباروری روایی در گفتمان‌های هنری معاصر تولید معنا می‌کند؟ شرایط درک چنین معنایی چه رابطه‌ای با نقد هنری معاصر دارد؟ هدف از آرایه این پژوهش، تبیین شرایط عبور از نشانه‌شناسی ساخت‌گرا به نشانه‌معناشناسی گفتمانی با تأکید بر نقد هنری چندساحتی و تراگفتمانی است.

کلیدواژگان: نشانه‌شناسی ساخت‌گرا، نشانه‌معناشناسی گفتمانی، نظام چندساحتی معنا، گفتمان سیال هنری، نقد هنری معاصر

پرسش از چیستی معماری معاصر ایران با رویکرد نقد پدیدارشناختی

نیرطهوری^۱

پس از مواجهه تمدن‌های کهن با تفکر جدید غرب، چالش میان هر آنچه بود با تازه‌های ناآشنای مدرن آغاز گردید. از آنجا که دستاوردهای عظیم تفکر و اندیشه جدید غرب، همه عرصه‌ها را در می‌نوردید و قابل انکار نبود، تعارض میان سنت و مدرنیسم در تمامی شئون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هنری روزبه‌روز اشکال تازه‌تری به خود می‌گرفت. نیازهای جدید زاده می‌شد و صورت‌های گذشته زندگی یکی پس از دیگری عدم ناکارایی خود را نشان می‌داد. با تغییر مناسبات در همه زمینه‌های زندگی بشری، نیاز به فضاهای جدید برای فعالیت‌های گوناگونی آشکار می‌شد که معماری قدیم پاسخگوی آن‌ها نبود. از سوی دیگر با رشد صنعت و تکنولوژی مدرن، مصالح تازه صنعتی پدید می‌آمدند که با امکاناتی تازه، شیوه‌های ساخت سنتی را زیر سؤال می‌بردند. با دگرگونی فضاهای زیست، تصورات تازه‌ای هم در معماری ظاهر می‌شد. صورت‌ها و پدیده‌های شگفت‌آور عالم جدید، چشم‌انداز به‌تر و زندگی راحت‌تری را نوید می‌داد. تسهیل ارتباطات و وسایل جدید حمل و نقل میان کشورهای مختلف، همچنین تغییرات سیاسی و مرزبندی‌های جدید، روز به روز به وسعت تحولات بنیادین در تمامی عرصه‌ها می‌افزود، چنانکه معماری و فضاهای شهری را هم در برمی‌گرفت. با آغاز قرن چهاردهم شمسی،

۱. استادیار گروه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی

دگرگونی‌های وسیع همه‌جانبه در ایران و خواست روزافزون مدرنیزاسیون، ساخت بناهای فرهنگی و هنری و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دستور کار قرار گرفت. دانشگاه، بانک، شهرداری، مجالس قانون‌گذاری، وزارتخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس جدید و یادمان‌های بزرگان ایران زمین نگاه تازه‌ای به معماری می‌طلبید. ورود تدریجی معماری مدرن به ایران، با سنت معماری کهن سال ایرانی - اسلامی سازگاری نشان نمی‌داد. سؤال بزرگ پرسش از هویت فرهنگی و هنری این مواجهه را سخت‌تر می‌کرد. معماران می‌پرسیدند و همچنان می‌پرسند که چه باید کرد؟ چگونه می‌توان شیوه‌های کهن را در قالبی نو ارائه کرد؟ چه راهی را باید در پیش گرفت که بتواند پاسخگوی نیازهای متعدد حاصل از مناسبات مدرن و پس از آن باشد؟ از طرفی با تبدیل دستورالعمل یک طرفه معماری مدرن به شیوه‌ای بین‌المللی، رفته‌رفته معضلاتی در جوامع مختلف ظاهر شد که بازنگری در شیوه‌های جدید را ضروری می‌ساخت. معماران پست‌مدرن با تأسی از فیلسوفان پست‌مدرن، و نگاهی انتقادی در برابر مدرنیسم سر به مخالفت برداشتند. آنان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، و نیز در دهه‌های اخیر به انحاء مختلف بازگشت از اصول متقن معماری مدرن را پیش گرفته و بسیاری از عواملی را که برای چند دهه نادیده گرفته شده بود، از نو مطرح کردند. هویت مورد پرسش از نشانه‌های فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی، عالمی از گردآمدن پدیده‌ها و عوامل طبیعی را تصویر می‌کردند که انسان در پیوندی وجودی با آن قرار می‌گرفت. بستر مکانی و جغرافیایی به بستر فرهنگی و تاریخی و اجتماعی و روان‌شناختی گسترش می‌یافت و هویت مکان را مطرح می‌ساخت.

این مقاله با هدف دست‌یابی به پاسخی در پرسش از چیستی معماری معاصر ایران با ملحوظ داشتن ویژگی‌های بستر مکانی و اصول معماری پایدار، با رجوع به دیدگاه‌های معماران پدیدارشناس معاصر، آموزه‌های نظری آنان را با تجارب زیسته و عملی ایرانیان انطباق می‌دهد تا به سؤال مذکور پاسخی

در خور بدهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد تجربه زیست چند هزار ساله راه‌کارهای سازگار با محیط را به نحوی ارائه کرده که با برخورداری از ساختار بنیادی و فضایی خاص خود با یافته‌های نوین معماری پایدار مطابقت می‌یابد. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی به شیوه کیفی است و اطلاعات مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است.

کلیدواژگان: پدیدارشناسی، معماری قدیم، معماری معاصر، چيستی معماری

کلیدواژگان: نقد پدیدارشناسی معماری، معماری معاصر ایران، پدیده مکان، معماری پایدار، معماری بستر محور

تأثیر نقد فلسفه دکارت در شکل‌گیری نظریه‌های نوین پدیدارشناسی: رویکردی به ادراک چندحسی معماری معاصر ایران

نیرطهوری^۱

محمدامین شریفیان^۲

یکی از آسیب‌های نقدنگاری معماری معاصر ایران بی‌توجهی به ضرورت مطالعه عمیق سرچشمه‌های فلسفی نظریه‌های معماری است به نحوی که نقدهای مطرح‌شده، اغلب نسبت به این سرچشمه‌ها از جمله مفروضات دکارتی شکل‌دهنده فضاهای مدرن، غیرانتقادی باقی مانده‌اند. فلسفه رنه دکارت دگرگونی بی‌سابقه‌ای در نگرش به هستی رقم زد؛ انسان تبدیل به سوژه محض شد و موجود خارجی تبدیل به ابژه‌ای که متعلق این سوژه است. تأثیر نگرش دکارتی به ذهن و ادراک، در اواخر قرن هفدهم در نظریه معماری هم وارد شد و از اوایل قرن نوزدهم به تحولات و بحران‌های مهمی در شهر و معماری تمدن اروپایی انجامید که توسط مورخان ثبت شده‌اند. رواج همه‌جانبه فلسفه دوگانه‌انگارِ ذهن-بدن دکارت در جهان مدرن، به‌ویژه در قرن بیستم، به نقدهای بسیاری دامن زد اما بسیاری از مفروضاتش، به‌موجب موفقیت‌های علوم ابزاری، بلامنزاع باقی ماندند. بنابراین، نقد دکارتیسم و پیامدهای آن، فیلسوفان را به سوی رویکردهای مختلفی از جمله پدیدارشناسی هدایت

۱. استادیار گروه هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

کرد که به زعم ادموند هوسرل، بنیان‌گذار پدیدارشناسی، در اثر نقد «خطای دکارت» شکل گرفت. فیلسوفانی نظیر مارتین هایدگر، موریس مرلوپونتی و گاستون باشلار انحای گوناگون پدیدارشناسی را در قرن بیستم گستراندند و از دهه‌های پایانی این قرن تاکنون، معماران برجسته‌ای همچون کریستین نوربرگ-شولتز، آلبرتو پرز-گومز، یوهانی پالاسما، استیون هال و پیتر زومتور پدیدارشناسی معماری را حول محور ادراک چندحسی شکل داده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه شکل‌گیری این نظریات نوین پدیدارشناسی معماری می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد رویکردهای خردگرایانه معماری معاصر متأثر از فلسفه دکارت سبب تنزل آن دسته از کیفیات فضا گشتند که از طریق حواس و آگاهی عاطفی، قابل دستیابی‌اند و با تأکید بر فرم‌های بصری، تکنیک‌های مولد تکنولوژیک و عملکردهای ایزوتروپیک معماری، سبب ازدست‌رفتن شاعرانگی مکان‌ها شدند. درحالی‌که رویکرد پدیدارشناسی ادراک چندحسی با اولویت‌بخشی به محتوا، کاراکتر و اتمسفر معماری می‌تواند در نقد، ارزیابی و خوانش آثار معماری معاصر ایران به کار گرفته شود و در چیرگی بر بحران‌های این حوزه راه‌گشا باشد.

کلیدواژگان: نقد معماری، خطای دکارت، پدیدارشناسی معماری، ادراک چندحسی، معماری معاصر ایران

ساختاردهی نقد هنری برپایه رویکردهای اخلاقی

پرناز گودرزپوری^۱

جنبه‌های گوناگون یک اثر هنری، از جمله وضعیت و کیفیت روایی آن، فرم و محتوای شناختی یا ارزش‌های آموزشی، مفهومی کاملاً گسترده از اثر را تبیین می‌کند. جایگاه اخلاق در این جنبه‌ها، یکی از نکات واجد ارزش تحلیل است بعضاً مشاهده شده که متفکرین شخصیت اخلاقی یک اثر هنری را به‌طور خاص با ارزش آن به‌عنوان هنری ارتباط دانسته‌اند. با این حال، تردیدی نیست که وجوه شخصیتی اخلاقی یا ضد اخلاقی یک اثر هنری اغلب بر نحوه تعامل و پاسخگویی به آن تأثیر می‌گذارد. از دیرباز این پرسش مطرح بوده که آیا این وجوه باید بر ارزیابی‌ها یا نقد آنه به‌عنوان هنر تأثیر بگذارد؟ استدلال‌های اصلی در این حوزه بیشتر به نفع زیبایی‌شناسی، ادعا می‌کنند که بین ارزش هنری و شخصیت اخلاقی رابطه‌ای وجود ندارد. پژوهش پیش رو می‌کوشد تا در عین بررسی زمینه‌های اساسی مرتبط با بحث اخلاق در نقد یک اثر هنری به روش‌شناسی و چگونگی تبیین نظریات مربوط به نقد اخلاقی هنر بپردازد. در ارائه راه‌کار مبتنی بر اخلاق برای نقد هنر، انعطاف‌پذیری اخلاقی، تکثرگرایی ارزش پایه و نسبیت با بعد اخلاقی به‌عنوان اصول بنیادین در نظر گرفته شده‌اند. از این تمایز، تعابیر مختلفی از خودمحموری، اخلاق، و

۱. عضو هیئت علمی گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی

بی‌اخلاقی، با اشاره به معیارهایی که تا کنون در این حوزه مطرح بوده‌اند، ارائه می‌گردد. در نهایت این پژوهش می‌کوشد ضمن بررسی نظریه‌های مختلفی که تاکنون پیشنهاد شده‌اند به تبیین جنبه‌های واقعی چنین نظریاتی بپردازد و ایجاد رابطه درست با یک اثر هنری را مقدمه نقد هنر مطرح نماید و عیار حقیقی یک مثال نقض ادعا شده را به موضع اخلاقی کاری به دلیل انحطاطش، از بعد هنری نوفیق می‌یابد نشان دهد.

کلیدواژگان: اخلاق، ارزش‌های اخلاقی، نقد، هنر

گفتمان مسلط بر نقد سینمایی در ایران

عبدالحسین لاله^۱

تاریخ سینمای ایران نقدهای متنوعی را به خود دیده است که از دههٔ چهل آغاز و نشر آن تا به امروز ادامه یافته است. علاوه بر مسئله تناسب یا عدم تناسب نقدهای یاد شده با تولید آثار سینمایی، نکتهٔ حائز اهمیت در این میان، بررسی گفتمان غالب در این‌گونه آثار نوشتاری است؛ آثاری که در نشریات و کتب سینمایی در ایران چاپ شده است. حاصل چنین کنکاشی احراز هویت نقد سینما در ایران است؛ با همهٔ مختصات ساختاری و معرفتی. این پژوهش با نظریه «اصالت مؤلف» انجام خواهد شد که در مقابل نظریه «اصالت متن» بارت قرار دارد. طی این پژوهش، جریان‌ها و گفتمان غالب در این‌گونه نقدها روشن شده و موقعیت نقد در سینمای ایران نشان داده شده است. هدف مقاله آن است که نشان دهد نقد سینما در ایران بیش از هر چیزی وابسته به شخص نقاد بوده و امری شخصی محسوب می‌شده است تا روشی سیستماتیک.

کلیدواژگان: نقد، گفتمان، سینما، ایران، مؤلف

نقد کاربرد مفهوم «سنت» برای تفسیر هنر ایران در دوران اسلامی

امیرمازیار^۱

یکی از رویکردهای رایج در نقد و تفسیر هنر ایران در دهه‌های اخیر رویکرد سنت‌گرایان بوده است. محور اصلی این رویکرد مفهوم «سنت» و اطلاق آن بر مظاهر تمدن‌هایی است که از دیدگاه ایشان «تمدن‌های سنتی» خوانده می‌شوند؛ امری که به شکل‌گیری «هنر سنتی» می‌انجامد. «سنت» از دیدگاه سنت‌گرایان تعریف و ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از کاربردهای معمول این مفهوم جدا می‌سازد. در این مقاله پس از شرح مختصر تلقی سنت‌گرایان از مفهوم «سنت» به نقد این تلقی می‌پردازم و نشان می‌دهم که کاربرد آن برای فهم هنر ایران در دوران اسلامی مفید و موجه نیست. وجه ممتاز این مفهوم توجه دادن به بعد درونی و باطنی آثار هنری است که خصوصاً در تقابل با رویکردهای تقلیل‌گرای پوزیتیویستی قرار می‌گیرد. اما تفسیر این وجه درونی بر اساس مفهوم سنت گرفتار مشکل ذات‌گرایی است. این مفهوم تحولات تاریخی هنر اسلامی را نادیده می‌گیرد و با عرضی دانستن این تحولات قادر به ارائه تفسیری جدی برای این تحولات نیست. به لحاظ روش‌شناختی کارآیی این مفهوم نسبت به بدیل‌های غیر پوزیتیویستی‌اش محدودتر است و سنت‌گرایان تلقی خود را از این مفهوم در نسبت با تحولات روش‌شناختی در

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه هنر

علوم انسانی و مفاهیم بدیل «سنت» روزآمد نساخته‌اند. در نهایت کاربرد و اطلاق مفهوم «سنت» در این چهارچوب، به شکلی، استمراربخش کلیشه‌های شرق‌شناسانه در باب هنرهای ایرانی - اسلامی است.

کلیدواژگان: سنت‌گرا، تفسیر هنر، دوران اسلامی، نقد

نگاهی به روند تحول زمینه‌ها و رویکردهای نظری و فلسفی نقد هنر و ادبیات

حسین علی نوذری^۱

در این گفتار به اختصار به بررسی و تحلیل خاستگاه‌های فکری و فلسفی و زمینه‌ها و بسترهای نظری (theoretical) و مفهومی (conceptual) ظهور و تکوین و تحول نقد هنر و ادبیات پرداخته می‌شود. مسئله اصلی در این گفتار، با توجه به اقتضای دامنه و توسعه موضوعی مبحث و فحای و مطاوی و معانی متنوع و متکثر مندرج در آن، عبارت است از «بررسی و تحلیل چگونگی روند تحول و تطور بسترها و رویکردهای نظری و فلسفی شکل‌گیری نقد هنر و ادبیات». در این راستا با عنایت به مقتضیات مذکور، به پاره‌ای از مناسبات و قواعد و پرنسپ‌های زیباشناسیک نقد اشاره خواهد شد.

نقد در یک رویکرد عام و کلی عبارت است از مطالعه و بررسی و تحلیل حیات فکری، فرهنگی، ادبی، هنری، فلسفی و نظری انسان در بسترهای مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. آنچه که علم برای زندگی مادی انسان صورت می‌دهد، نقد برای زندگی فکری و فرهنگی انسان‌ها انجام می‌دهد. نقد حوزه‌های مختلف زندگی فکری و فرهنگی انسان (و به‌طور اخص در این‌جا حوزه‌ای هنر و ادبیات) را جزء به جزء و تکه تکه مورد مطالعه و ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد، و به واکاوی و ارائه دلایل، زمینه‌های و علل نظری و فلسفی کاربست‌ها و کارویژه‌های هنر و ادبیات مبادرت می‌کند.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

این فرایند تحلیل از دامنه تنوع و توسعه و تکثر گسترده‌ای برخوردار است: از تکنیک‌ها، ابزار، روش‌ها، رویکردها، مفاهیم، الگوها، نظریه‌ها و رویکردهای مورد استفاده در خلق آثار ادبی و هنری مختلف و متنوعی چون نقاشی، گرافیک، صنایع دستی، مجسمه، موسیقی، شعر، رمان، تئاتر، نمایش، فیلم؛ تا آرا و عقاید و تفکرات و مضامین فلسفی و نظری مندرج در لایه‌ها و لایبرنت‌ها و پس‌پشت این قبیل آثار، متون، آفریده‌ها؛ تا جهانی که این پدیده‌ها و مصنوعات (artifacts) از دل آن سر برمی‌آورند و در آن تطوّر و تحول و تکامل می‌یابند؛ و بالاخره استلزام‌ها و نتایج و تأثیراتی در زندگی روزمره انسان دارند. با عنایت به این نکات، نقد هنر و ادبیات از خصلت و سرشت بین‌رشته‌ای برخوردار است و ناظر به مطالعات و پژوهش‌ها و فعالیت‌هایی است که دست‌کم واجد پنج مرحله یا گام و اقدام اساسی است: مرحله تعریف (definition)، مرحله رده‌بندی (classification)، مرحله تحلیل (analysis)، مرحله تفسیر (interpretation)، و مرحله ارزش‌گذاری و سنجش (evaluation). هر یک از این مراحل به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر و با ابتناء به حضور نوعی منطق درون‌بود، با مؤلفه‌ها و رویکردهای فلسفی و نظری سرو کار داریم که دوام و قوام و استحکام ساختاری و کارکردی نقد را به همراه دارند؛ مؤلفه‌ها و پارامترهایی که در بستر تاریخی دست‌خوش تحول شده‌اند. در این رابطه این مؤلفه‌ها و رویکردها در نهایت زمینه‌ها و کانتکست‌های لازم برای طرح و ارائه یک سری نظریه‌ها درباره هنر و ادبیات را فراهم می‌کنند، عمدتاً در قالب یک رشته اصول و قواعد عام و همگانی، همراه با مجموعه‌ای متنوع از تعابیر، اصطلاحات، مفاهیم، واژگان، تمایزات و مقولاتی که در جهت شناسایی، هویت‌پردازی، تحلیل، تفسیر و در یک کلام در راستای نقد آثار و متون هنری، ادبی (و یا هر نوع متون و آثار دیگر) به خدمت گرفته می‌شوند. به‌علاوه معیارها، استانداردها و هنجارهایی که با ارجاع و استناد و توسل به آن‌ها هم خود آثار هم خالقان و پدیدآورندگان آن‌ها مورد ارزش‌یابی، سنج

و ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند. در این جا به اختصار به تبارشناسی این روند می‌پردازیم.

قدیمی‌ترین و مهم‌ترین رساله در نقد نظری و فلسفی رساله بوطیقا (فن شعر، نظریه شعر) اثر ارسطو متعلق به قرن چهارم پیش از میلاد است. در سده‌های بعد، از جمله مهم‌ترین و برجسته‌ترین منتقدان تأثیرگذار به‌ویژه از منظر و مرآی فلسفی و نظری می‌توان به چهره‌ها و شخصیت‌هایی چون لانگینوس در یونان، هوراس در روم، نیکلاس بوالو و سن بوؤدر فرانسه، الکساندر باومگارتن و یوهان ولفگانگ گوته در آلمان، سمیوئیل جانسن و سمیوئیل تایلر کالریچ و متیو آرنولد در انگلستان، ادگار آلن پو و رالف والدرا مرسن در آمریکا اشاره کرد. از سوی دیگر چهره‌های شاخص و نقاط عطف در تداوم و تکامل این روند در عرصه نقد را در نیمه نخست قرن بیستم می‌توان پی گرفت. با متفکرانی چون آی. ای. ریچاردز (اصول نقد ادبی، ۱۹۲۴)، کیت برک (فلسفه فرم ادبی، ۱۹۴۶)، آر. اس کرین (منتقدان و نقد، ۱۹۵۲)، نورتروپ فرای (کالبدشکافی [تحلیل] نقد، ۱۹۵۷). از سال‌های دهه ۱۹۷۰ به این سو نیز شاهد چاپ و انتشار شمار عظیمی از آثاری (اعم از آثار و متون مرتبط و ملهم و متأثر از فلسفه انتقادی قاره‌ای و فلسفه تحلیل آمریکایی - انگلیسی)، هستیم که هر کدام اشکال و قالب‌های بنیادین متنوعی از نظریه و رویکرد فلسفی انتقادی - تحلیل را طرح و ارائه کرده‌اند که در جای خود به شرح و بسط آن مبادرت خواهیم کرد.

کلیدواژگان: نقد، رویکرد نظری، رویکرد فلسفی، هنر، ادبیات

برنامه همایش ملی «تبارشناسی و سیر تحول نقد هنر در ایران»

روز اول: دوشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۰

افتتاحیه	
۹:۰۰-۹:۱۰	تلاوت قرآن کریم و سرود جمهوری اسلامی ایران
۹:۱۰-۹:۲۰	فیلم همایش
۹:۲۰-۹:۳۵	سخنرانی دبیر علمی همایش / حسن بلخاری
۹:۳۵-۹:۵۵	سخنرانی افتتاحیه: رئیس فرهنگستان هنر/ بهمن نامورمطلق
جلسه (۱): ارائه مقاله / مدیر نشست: دکتر مجید پروانه پور	
۱۴:۰۰-۱۴:۲۵	نگاهی به روند تحول زمینه‌ها و رویکردهای نظری و فلسفی شکل‌گیری نقد هنر و ادبیات / حسینعلی نوذری
۱۴:۲۵-۱۴:۵۰	ضرورت نقد در حوزه هنر و ادب (گشودگی اثر و حفاظت از ذات هنر) / حسن بلخاری
۱۴:۵۰-۱۵:۱۵	از نشانه‌شناسی ساختارگرا تا نشانه‌معناشناسی گفتمانی؛ به سوی نقد هنری چندساحتی / حمیدرضا شعیری
۱۵:۱۵-۱۵:۳۰	پرسش و پاسخ
جلسه (۲): ارائه مقاله / مدیر نشست: دکتر شهاب پازوکی	
۱۵:۳۰-۱۵:۵۵	گفتمان‌های مسلط بر نقد سینمایی در ایران / عبدالحسین لاله
۱۵:۵۵-۱۶:۲۰	پرسش از چیستی معماری معاصر ایران با رویکرد نقد پدیدارشناختی / نیر طهوری
۱۶:۲۰-۱۶:۴۵	نقد کاربرد مفهوم «سنت» برای تفسیر هنر ایران در دوران اسلامی / امیر مازیار
۱۶:۴۵-۱۷:۰۰	پرسش و پاسخ

آدرس اتصال به جلسات سخنرانی همایش (ویژه مخاطبان): [e37at2/ir.yun](http://e37at2.ir.yun)

برنامه همایش ملی «تبارشناسی و سیر تحول نقد هنر در ایران»

روز اول: دوشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۰

جلسه (۳): ارائه مقاله / مدیر نشست: دکتر عبدالحسین لاله	
۱۴:۰۰-۱۴:۲۵	نقد دیگربودگی، هویت‌مسئله‌گی و گفتمان بازگشت به خویش در احیای اصالت‌های موسیقایی (موردکاوی احیاء آثار نظری و عملی گذشتگان در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ خورشیدی) / کاوه خورابه
۱۴:۲۵-۱۴:۵۰	نقد اخلاقی در سرآغاز هنر تئاتر در ایران و مبانی فلسفی و فکری آن؛ تحلیلی تبارشناختی / شهاب پازوکی
۱۴:۵۰-۱۵:۱۵	ساختاردهی نقد هنری بر پایه رویکردهای اخلاقی / پرناز گودرزپوری
۱۵:۱۵-۱۵:۳۰	پرسش و پاسخ
جلسه (۴): ارائه مقاله / مدیر نشست: کاوه خورابه	
۱۵:۳۰-۱۵:۵۵	نقد تک‌زبانی حاکم بر نقد هنری / مجید پروانه‌پور
۱۵:۵۵-۱۶:۲۰	فراتحلیل جایگاه نقد هنر در مقالات فصلنامه‌ها (مورد مطالعاتی: مقایسه مقالات دهه ۱۳۹۰ فصلنامه‌های علمی-پژوهشی با فصلنامه‌های علمی-ترویجی در رشته هنر) / مریم بیکری‌علمداری
۱۶:۲۰-۱۶:۴۵	تأثیر نقد فلسفه دکارت در شکل‌گیری نظریه‌های نوین پدیدارشناسی: رویکرد به ادراک چند حسی معماری معاصر ایران / محمدامین شریفیان
۱۶:۴۵-۱۷:۰۰	پرسش و پاسخ

آدرس اتصال به جلسات سخنرانی همایش (ویژه مخاطبان): e37at2/ir.yun